

« چله نشینی» آئین کهن آذربایجان / پاسداشت سنت «صله ارحام»

آذر ۳۰، ۱۴۰۱



نگارنده: محمد امین خوش نیت

آذرقلم: «شب یلدا» بلندترین شب سال است و برای پیدایش آن در عقاید و اقوام و گروه‌های ایرانی، سخن‌های بسیار و متفاوتی گفته‌اند.

به گزارش آذرقلم، عده‌ای عقیده دارند که میلاد حضرت مسیح (ع) در شب یلدا صورت گرفته و لغت یلدا از عبارت میلاد سرچشمه گرفته است.

«شب یلدا» مصادیق دیگری نیز دارد و آن عبارت «امید» است که از آن استنباط می‌شود. به این معنی که مردم ایران و آذربایجان آن را نشانه‌ای از آمدن و رفتن میدانند و این که تاریکی‌ها رفتنی است و روشنایی و صبح صادق به زودی فرا خواهد رسید.

«شب یلدا» میعاد است با سنت‌های بسیار و مردم خونگرم ایران و آذربایجان، چنین شبی را با تصویری از «کنار هم بودن» معنا می‌بخشند.

مردم ایران و به ویژه آذربایجان آن را به این دلیل گرامی می‌دارند که این روز مصادف با اولین روز از چهل روز نخستین زمستان است. به همین علت این شب در بین مردم آذربایجان بیشتر به «شب چله» معروف است تا شب یلدا! و چله اول را چله بزرگ می‌خوانند. بعد از گذشت این چهل روز (تا 10 بهمن)، «چله کوچک» شروع می‌شود که 20 روز ادامه می‌یابد.

به اعتقاد مردم آذربایجان در این مدت سرمای زمستان به اوج خود می‌رسد و این امر برای کشاورزان که افزایش محصولات تابستان آنها بستگی به اوج سرمای زمستان دارد، بسیار خوشایند است.

در «چله کوچک» از شدت سرما کاسته می‌شود و مردم آذربایجان شب اول چله را نیز جشن می‌گیرند چرا که این چله نویدبخش آمدن بهار و آغاز سرزندگی، شادابی و کار و تلاش است.

اگر چه هم‌اکنون جشن شب چله، در شهرهای آذربایجان، تا حدودی رنگ و بوی باستانی و سادگی خود را از دست داده، اما در برخی از روستاها و شهرهای کوچک آذربایجان، رسم شب چله، به همان حلاوت گذشته باقی است. جمع شدن دور کرسی، رفتن به منزل بزرگ خانواده و ایل و طایفه، برگزاری مراسم جشن و عروسی در این شب، برگزاری برخی مسابقات هیجان‌انگیز نظیر اسب‌سواری، تیراندازی از جمله آنهاست. حتی وقتی ساکنان ساده و بی‌ریای روستا، دور کرسی جمع می‌شوند، دست از شوخی‌ها و نقل روایات و «تا پماجالار» و «بایاتیلار» بر نمی‌دارند. شاید نقل این تا پماجالار (معماها) و بایاتیلار (دوبیتی‌های ترکی) یکی از مشخصه‌های شب چله باشد اما هندوانه مهم‌ترین مشخصه «چله» است.

هندوانه سمبل شب چله

اولین چیزی که از یادآوری شب چله به ذهن خطور می‌کند، حضور «هندوانه» در این مراسم است. هندوانه مظهر شیرینی، خونگرمی، سرسبزی و سرخ‌فامی، شادابی و سرزندگی است. مردم ایران و آذربایجان بر این باورند که خوردن هندوانه موجب مقاومت بدن در مقابل سرمای زمستان می‌شود. شاید از این روست که در سراسر ایران، کمتر جایی را بتوان یافت که خوردن هندوانه در شب یلدا جزو آداب و رسوم آن

نباشد. در آذربایجان مردم باور دارند که با خوردن هندوانه لرز و سوز و سرما بر تن آنها تاثیری ندارد!

«هندوانه» برای شب چله لازم است و این رسمی است که تاکنون بدون تغییر باقی مانده است. از همین روست که می‌توان در میان «خوانچه‌های خانواده داماد برای خانواده عروس هنوز آن را مشاهده کرد!



خوانچه

«خوانچه» و یا به تلفظ «آذربایجانی‌ها»، «خونچا» به تحفه‌ای گفته می‌شود که خانواده داماد در شب یلدا برای خانواده تازه‌عروس می‌فرستد. در میان این خوانچه، علاوه بر هندوانه می‌توان تحفه‌های رنگارنگ نظیر پارچه‌های حریر و گرانقیمت، میوه‌ها و شیرینی‌های متنوع و آجیل را مشاهده کرد برخی از آذربایجانی‌ها و به ویژه «تازه‌دامادها» در چنین شبی سعی می‌کنند ذوق هنری خود را به رخ خانواده عروس و به ویژه عروس‌خانم بکشند! به همین خاطر، هندوانه را به شیوه زیبا، جالب و شورانگیزی، تزئین می‌نمایند!

شب نشینی در خانه بزرگان:

معمولاً خانواده‌ها در منزل ریش سفید خانواده جمع می‌شوند و با شوخی‌ها و عبارات‌های خنده‌آمیز، کام یکدیگر را شیرین می‌کنند. ریش سفید خانواده در حالی که با چاقو هندوانه را می‌برد می‌گوید: «قادا بلامیزی بو گئجه کسدوخ!» (بلائیای خودمان را امشب بریدیم!) فردای آن روز پوست هندوانه و میوه‌های خورده شده را در آب روان ریخته و آن را خوش‌یمن می‌دانند. نقل حکایات و اساطیر این

سرزمین نظیر اصلی و کَرَم، بایاتی خواندن و تاپماجا و ضرب المثل و «باغلاما»، از دیگر موضوعات مطرح شده در مجالس شب نشینی «چله» است.

آجیل هم یکی دیگر از ملزومات شب چله است. آجیل آذربایجان که به لحاظ کیفیت و تنوع، زبانزد خاص و عام است همواره حضور موثری در این مراسم دارد. در سالهای دور، تنقلات شب چله، به تخمه، پشمک، سنجد، قیسی، برگه زردآلو، بادام و گردو ختم میشد. اما اکنون، در سفره شب یلدای مردم آذربایجان انواع آجیل‌های تشریفاتی نظیر: پسته، فندق، مغز بادام و بادام هندی و بادام زمینی و لواشک و انواع میوه‌های گرمسیری نظیر، پرتقال، نارنگی، و کیوی و حتی موز و نارگیل را می‌توان مشاهده کرد.

در قدیم‌الایام، نه از سردخانه‌های مجهز خبری بود و نه از حمل و نقل سریع و پیشرفته امروزی که بتوان در اسرع وقت هندوانه را از مناطق گرمسیر به مناطق سردسیر انتقال داد.

به همین منظور مردم آذربایجان در اواخر فصل برداشت محصول هندوانه، چند عدد هندوانه درشت و مرغوب را بر روی بوته، در «بوستان» حفظ می‌کردند. کشاورزان آذربایجانی، روی این هندوانه را برای این که از گزند سرما و حیوانات موزی در امان بمانند، با خار و خاشاک و بوته‌ها می‌پوشاندند و در شب یلدا از این هندوانه‌ها استفاده می‌کردند. و یا اینکه از اواخر تابستان تعداد زیادی هندوانه و خربزه را در کیسه توری گذاشته و آنها را از سقف مطبخ خانه آویزان می‌کردند تا در هوای آزاد خراب نشود و چون شب چله فرا می‌رسید آنها را پائین می‌آوردند. اما اکنون هندوانه مردم آذربایجان، از شهرهای گرمسیری نظیر: میناب، دزفول و اهواز تأمین می‌شود.



از ادبیات آذربایجان

شهریار؛ شاعر شیرین سخن آذربایجان شب‌نشینی‌های زمستان و نقل داستان‌ها و روایات را در منظومه پایدار «حیدر با بایه سلام» چنین به تصویر منظوم کشیده است:

قاری‌ننه گئجه ناغیل دینده

کولک قالخوب قاپ باجانی دوینده

من قاییدوب بیرده

اوشاق اولیدیم

بیر گول آچوب اوندان

سورا سولیدیم

در میان عامه مردم نیز «بایاتی»ها و اشعار منظوم متنوعی رواج دارد که از جمله آنها می‌توان به این «بایاتی» اشاره کرد:

چيله چيخار بايراما بير آي قالار

پينتي آرواد قوورماني قورتارار

گئدر باخار گودول ده

يارماسينا

باخ فلکين گردش و

غوغاسينا

ترجمه:

وقتی «چله» تمام شد يك ماه به عيد باقی میماند. (منظور چله کوچک است)

زن بدسلیقه گوشت‌های ذخیره خود را تمام می‌کند.

به «بلغورهای» انبار روی می‌آورد

نظاره کن گردش و غوغای فلک را

یلدا در اشعار شاعران

سعدی: روز رویش چون برانداخت نقاب از سر زلف/ گویی از روز قیامت شب یلدا برخاست.

حافظ: صحبت حکام ظلمت شب یلداست/ نور ز خورشید جو بو که بر آید
اوحدی مراغه‌ای: شب هجرانت ای دلبر شب یلداست پنداری/ رخت نوروز و دیدار تو عید ماست پنداری

سنایی: به صاحب دولتی پیوند اگر نامی همی جویی/ که از پیوند با عیسی چنان معروف شد یلدا

حافظ شیرازی: صحبت حکام ظلمت شب یلداست. نور ز خورشید جوی بو که بر آید.

سهراب سپهری: غمی از عشق درباره^۲ شب یلدا. دختر شبهای سرد ماه دی/ خو گرفت با شعر تو در ماه دی/

حرف دل را از دلت تو پس زدی/ غم به روی غم، غمی را پس زدی/ من به دنیای تو مجذوبم هنوز/ به دیار قلب تو، حس دارم هنوز/

شعر اوحدی مراغه‌ای برای شب یلدا: صحبت حکام ، ظلمت شب یلداست / نور ز خورشید خواه، بو که بر آید

شب یلدا حافظ: با زلف تو قصه ایست ما را مشکل / همچون شب یلدا به درازی مشهور

شب یلدا عبید زاکانی. شب یلداست هر تازی ز مویت، وین عجب کاری/ که من روزی نمی‌بینم، خود این شبهای یلدا را

شب یلدا فیض کاشانی: شام هجران تو تشریف به هر جا ببرد / در پس و پیش هزاران شب یلدا ببرد

وحشی بافقی: آبروی شمع را بیهوده نتوان ریختن. / صد شب یلداست در هر گوشه^۳ زندان مرا

عرفی شیرازی برای شب یلدا. من از روز جزا واقف نبودم / شب یلدای هجران آفریدند

فروغی بسطامی. هست در سالی شبی ایام را یلدا ولیک. / کس نشان

ندهد که ماهی را دو شب یلدا بود
خواجوی کرمانی، هنوز با همه دردم امید درمان است / که آخری بود
آخر شبان یلدا را
سعدی: بر رخ تو کآفت جان من است / از شب یلدا سپه آورده‌ای!
امیرخسرو دهلوی. بر من و یاران شب یلدا گذشت / بس که ز زلف تو سخن
رفت دوش
قآنی: دور است کاروان سحر زینجا / شمعی نباید این شب یلدا را

«یلدا» در لغت به معنی «روز» است.

«یلدا» میراثی از فرهنگ چند هزار ساله ی ماست. اگر چه امروز
زندگی صنعتی و گذشت هزاران سال، بسیاری از این آئین‌های ملی و
مذهبی، به دست فراموشی سپرده شده ام^۱ از آنجا که یلدا بر آئین
باستانی، باوری از اعتقادات دینی در آن نهفته، همچنان بعد از
نوروز مهمترین آئین کهن ایرانی است. یلدا را باید شب شکرگزاری
دانست و در حفظ این آئین ملی، اعتقادی برای انتقال فرهنگ اصیل
ایرانی و آذربایجانی به عنوان میراث داران فرهنگ این مرز و بوم
کوشید.